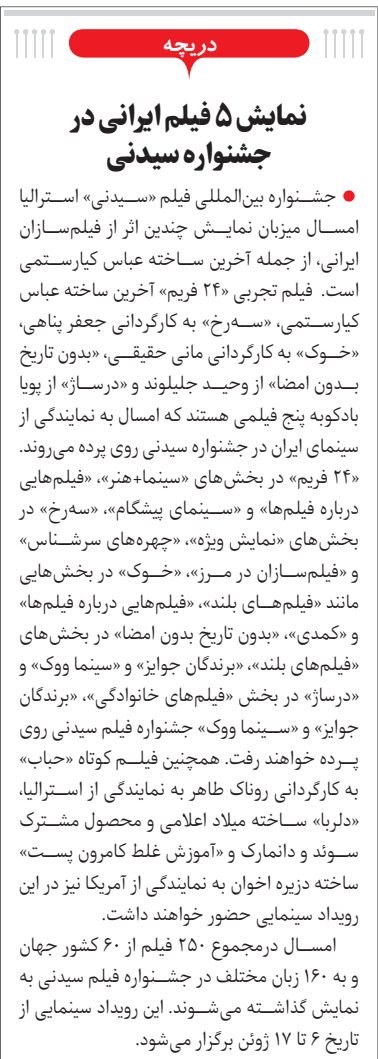




● انگار همین دیروز بود که با قامت بلند، اما فر به خود، عصایه‌دست و آرام قدم برمی‌داشت و پله‌های روزنامه را طسی می‌کرد تا به اتاق مصاحبه برسد. از اینکه در یکی از گزارش‌هایم از او به‌عنوان یکی از «بزرگ‌ترین بازیگران سینمای ایران» یاد کرده بودم، خیلی خوشحال بود. حالا هم با رغبت اجازه داد تا با او به گفت‌وگو بنشینم... مصاحبه دو ساعت به طول انجامید. برای من لذت‌بخش بود، چون مقابل تاریخ نشسته بودم و قرار بود درباره ناگفته‌های سینمای قبل و بعد از انقلاب بیشتر بدانم. برای او هم اگرچه در ظاهر دلنشین به نظر می‌رسید، اما تمام این دو ساعت سراسر یادآوری ناملایمات بود و یک حسرت به درازای عمرش که دوباره مقابل دوربین سینما بازی کند که دست‌آخر هم نشد که تک‌فیلم او رنگ اکران ببیند... امروز که همگان خیر فوت ناصر ملک‌مطیعی را در ۸۸ سالگی شنیده‌ایم، در رنایش سخن‌گفتن و نوشتن هیچ تأثیری به حال «فرمون» سینمای ایران ندارد؛ اما دست‌کم می‌تواند درس عبرتی باشد برای همه ما. راهی که «ناصرخان» رفت، روزی بالاخره همه ما خواهیم رفت و فرشته مرگ در ساعت و ثانیه‌ای مقرر ضربان نبض ما را خواهد گرفت، اما چقدر خوب است که فقط یک لحظه خودمان را جـای او و امثال او بگذاریم و از قضاوت‌های خاتمان‌سوز و عمرهرکن‌پر هیزیم؛ مثلاً اگر ناصرخان مقابل دوربین بازی می‌کرد چه اتفاقی می‌افتاد؟ چه کسی ضرر می‌دید؟ جز اینکه با کوله‌بار تجربه مقابل همه ما ظاهر می‌شد و حسرت‌به‌دل از دنیا نمی‌رفت! چقدر پسرش – امیرعلی– این در و آن در زد تا کاری برای پدرش بکند تا مرهمی شود برای اشک‌های پنهانی او در شب‌های سرد تنهایی‌اش. مسئولان محترمی که برای دیگران تصمیم می‌گیرند و حضور امثال ناصر ملک‌مطیعی را برای سینما مضر می‌دانستند، واقعا متوجه نبودند که ناصرخان ستاره سینمای قبل از انقلاب بود که نظیر او حتی بعد از انقلاب هم ظهور پیدا نکرد؟ هنوز بازیگری از جنس ناصرخان در سینمای ایران تا امروز زاده نشده! اصلا مگر هنرمندبودن به این راحتی‌هاست؟ و مگر دوربین سینما به سادگی می‌تواند هر چهره‌ای را دوست داشته باشد؟ دوربین سینما به‌راحتی به بازیگری را دوست ندارد. خم رنگزری هم نیست که کسی به‌زور وارد سینما بشود و مردم را مجبور کند تا او را دوست داشته باشند. هر چیزی حساب‌وکتابی دارد که البته حساب‌وکتاب سینما به این راحتی‌ها هم نیست. حالا این مسئولان محترم کمی درباره ایسن موضوع فکر کنند که در موقعیت ناصر ملک‌مطیعی قرار گیرند. جای او بنشینند و کسی در مقابل به آنها بگوید شما اجازه ندارید بازی کنید. حالا همه سوگواری برای ناصرخان حکایت «نوشدارو بعد از مرگ سهراب» را دارد. گذشت... و گذشته درگذشته، اما می‌توان دم غنیمت شمرد و هوای «زندگان» را داشت.



● جشنواره بین‌المللی فیلم «سیدنی» استرالیا امسال میزبان نمایش چندین اثر از فیلم‌سازان ایرانی، از جمله آخرین ساخته عباس کیارستمی است. فیلم تجربی «۲۴ فریم» آخرین ساخته عباس کیارستمی، «سهرخ» به کارگردانی جعفر پناهی، «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی، «بدون تاریخ بدون امضا» از وحید جلیلوند و «درساز» از بویا بادکوبه پنج فیلمی هستند که امسال به نمایندگی از سینمای ایران در جشنواره سیدنی روی پرده می‌روند. «۲۴ فریم» در بخش‌های «سینما+هنر»، «فیلم‌هایی درباره فیلم‌ها» و «سینمای پیشگام»، «سهرخ» در بخش‌های «نمایش ویژه»، «چهره‌های سرشناس» و «فیلم‌سازان در مرز»، «خوک» در بخش‌هایی مانند «فیلم‌های بلند»، «فیلم‌هایی درباره فیلم‌ها» و «کمدی»، «بدون تاریخ بدون امضا» در بخش‌های «فیلم‌های بلند»، «برندگان جوایز» و «سینما ووک» و «درساز» در بخش «فیلم‌های خانوادگی»، «برندگان جوایز» و «سینما ووک» جشنواره فیلم سیدنی روی پرده خواهند رفت. همچنین فیلم کوتاه «حباب» به کارگردانی روانا طاهر به نمایندگی از استرالیا، «دلریا» ساخته میلاد اعلامی و محصول مشترک سوئد و دانمارک و «آموزش غلط کامرون پست» ساخته دزیره اخوان به نمایندگی از آمریکا نیز در این رویداد سینمایی حضور خواهند داشت.

امسال درمجموع ۲۵۰ فیلم از ۶۰ کشور جهان

و به ۱۶۰ زبان مختلف در جشنواره فیلم سیدنی به نمایش گذاشته می‌شوند. این رویداد سینمایی از تاریخ ۶ تا ۱۷ ژوئن برگزار می‌شود.



به‌بانه‌های مختلف و نمایش کم‌رق آن تمامی انگیزه‌های مرد دوست‌داشتنی سینما را کمرنگ‌تر و او را بیش از گذشته خسته کرد. هنوز هم تصویرش در نخستین مواجهه با تصویر سال‌خوردگی‌اش در پرده سینما عجیب است، وقتی تمام مدت برای تمامی سال‌ها نبودنش در سینما و فرصت حضور کوتاهش اشک می‌ریخت. خیلی دور نیست زمانی که با خبر حضور در تلویزیون جانی دوباره گرفت و خوشحال بود که بعد از چندین‌سال با مردم از این دریچه حرف می‌زند. هم‌زمان به دو برنامه دعوت شد؛ برنامه‌هایی که تولیدی‌بودن شرط پخش آنها بود. مردم برای دیدن او تانیه‌شماری می‌کردند. این دو برنامه با وجود تمام وعده‌ها هیچ‌وقت پخش نشدند و بار دیگر امیدش ناامید شد. شاید همین ناامیدی‌های گاه‌وبگاه روحش را

ملک‌مطیعی بخشی از تاریخ سینماست



کند. برخی از اینها به‌سختی می‌توانستند در این سال‌ها امرامعاش کنند، چنانچه امروز سعید کنگرانی در گوشه‌ای از بندر انزلی به‌سختی دارد روزگارش را می‌گذراند. ما اگر می‌خواهیم برخوردی داشته باشیم حتما باید ملاکمان کتاب خدا و سنت رسول‌الله باشد و همان برخورد بلندظرنانه با حسان بن ثابت بر ما معلوم می‌کند که اینها می‌توانستند بعد از انقلاب به کار گرفته شوند. بهمن مفید، محمدعلی فردین، مرتضی عقیلی و سعید کنگرانی و دین نفر دیگر که الان در خاترم نیست، اینها اصلا مخالفتی با دین نداشتند و هیچ‌گونه موضع‌گیری سیاسی‌ای هم نداشتند و آدم‌های محجوبی بوده‌اند که در مملکت زندگی می‌کردند و می‌خواستند در چارچوب استعداد و هنرشان امرامعاش کنند. این مصیبت را به دنیای سینما، هنرمندان و طرفداران سینما تسلیت می‌گویم. من برای بازی سعید کنگرانی تلاش کردم و بعد از «ازدواج به سبک ایرانی» پیشنهادهای زیادی به او شد، ولی متأسفانه دیگر

نقدی بر فیلم «عصبانی نیستم»

ماهی از پاشوره بیرون افتاده

و معشوق در سینما فیلم می‌بینند و عاشق، با بیان چند جمله عریان و غیرنمایشی، دل مخاطبش را به دست می‌آورد. حال‌وهوای فیلمفارسی اما به مثلث عشقی «مرادبرقی» (نوبد)، «محبوبه» (ستاره) و «کازم‌خله» (شهرام) خلاصه نمی‌شود. «عصبانی نیستم» شدیدا تحت‌تأثیر فیلمفارسی –تنگنا– است. درواقع همان‌گونه‌ای که «علی خوش‌دست» برای رفع مشکلاتش نزد دوستان دوروزندیک می‌رفت و هربار سرخورده‌تر از قبل می‌شد و از طرفی معشوقه‌اش با گذر زمان بیشتر تحت فشار قرار می‌گرفت، «عصبانی نیستم» هم طبق همان الگو پیش می‌رود و حتی مانند آن فیلم، فضای بین صحنه‌های زودخور در موسیقی‌جان‌سوزی پر کرده با این تفاوت که در آن فیلمفارسی، «فردین فروغی» می‌خواند و اینجا «وحید تارانتینو!» اوج فیلم هم صحنه بی‌منطق کتک‌خوردن «نوبد» است صرفا جهت یادآوری «بیرون‌افتادن ماهی از پاشوره» و در راستای ساخت شبه صدقهرمان (بخوانید لات امروزی) که فیلمفارسی‌ا الترناتیو. حالا وقت آن است که بازگردیم به عقب و با طرح چند سؤال، منطق فیلم‌نامه را بررسی کنیم؛ چرا مخاطب باید این انتظار را داشته باشد که «نوبد» اگر ستاره‌دار نمی‌شد، فردی موفق برای جامعه بود؟ کدام ابتکارعمل را از «نوبد» در رشته دانشگاهی‌اش دیده‌ایم به‌جز چند شعار که ارتباطی با رشته‌اش ندارد؟ چرا باید قبول کنیم که «نوبد» عاشق «ستاره» است (؟) وقتی او «حیون» خطاب می‌کند و مسائل مهم زندگی‌اش

خسته‌تر از قبل می‌کرد. همیشه در صحبت‌هایش از لطف و مهربانی مردمان این دیار حرف می‌زد، حتی وقتی از دو برنامه تلویزیونی پخش نشده‌اش حرف می‌زد، با بغض از لحظاتی می‌گفت که مردم به احترام او ساعت‌ها دست زدند و او ایستاده تنها گریست و لطف مردم را ستایش کرد و دلگرم شد که همین مردم او را نگه داشته‌اند. می‌گفت در کشورش پایش روی زمین است و اینکه بسیاری به بهانه‌های مختلفی از ایران رفته‌اند و قطعا کمتر کسی با رضایت خودش کشورش را ترک کرده است. می‌گفت: «کجا باید می‌رفتم، پایم روی خاک سرزمینم و جایم قرص است. از طرفی این‌همه احترام و محبت را کجای دنیا می‌توانستیم از مردم بگیرم؟ اینها چیزهایی نیست که بتوانم نادیده بگیرم. بگهگاه از ایران می‌روم که رفقایم را ببینم، اما جای من اینجااست».

حضورش در چندین مراسم سینمایی و شفع سینماگران و مردم برای بودنش در مجامع سینمایی بیش از هر چیز دلگرم‌کننده بود. تا جایی که شرایط جسمانی‌اش اجازه می‌داد، دعوت همکارانش را اجابت می‌کرد. از ناصر ملک‌مطیعی هنوز هم به‌عنوان بازیگری یاد می‌شود که سال‌ها ممنوع‌التصویری کنار آمد و به گفته خودش فکر می‌کرده که بعد از انقلاب نمی‌تواند احترام گذشته را میان هم‌وطنانش داشته باشد، اما این‌طور نبود و محبوبیت او روزبه‌روز بیشتر شد. شاید آرزویی که هیچ‌گاه برایش محقق نشد، پذیرفته‌شدن رسمی در مجامع سینمایی بود؛ اینکه از او هنوز هم به احترام و رسماً به‌عنوان یکی از ارکان بازیگری سینمای ایران یاد شود. زمان برای ناصر ملک‌مطیعی به سرعت گذشت؛ سال‌هایی که می‌توانست از هنرش استفاده کند و همچنان بدرخشد. ناصر ملک‌مطیعی بعد از تحمل چند سال بیماری در ۸۸ سالگی از دنیا رفت و بار دیگر بسیاری را به خاطرات سال‌های دور و تصویر خاطره‌انگیزش در قاب سینما پیوند زد. روز گذشته برای نخستین‌بار نام ناصر ملک‌مطیعی از تلویزیون رسمی ایران رسانه‌ای شد؛ خبر فوت او...



● ناصر ملک‌مطیعی، انسان خیلی خوبی بود، با آنکه با بی‌مهری ما در این سال‌ها مواجه بود. ما همیشه بعد از اینکه آدم‌ها فوت می‌کنند یادشان می‌افتیم و ای‌کاش پیش از مرگ یادشان بیفتیم. ایشان کسی است که ملت ایران خاطره‌های خوبی از او دارند و با آن نقش‌هایی که ایشان بازی کرده‌اند می‌توان گفت که دقیقاً روحیه خودشان هم همین‌طوری بود و همان جوانمردی و مروت و افتادگی را در رفتار و زندگی خودش هم به‌راحتی می‌دیدید. متأسفانه من در کارهای کمی با ایشان همکاری داشته‌ام و پیش از انقلاب در فیلم بت (کار ایرج قادری) و پس از انقلاب با فیلم نقش و نگار (کار علی عطشانی) با ملک‌مطیعی همکاری کرده‌ام، اما همیشه و از همان بچگی فیلم‌هایش را دیده، با آنها بزرگ شده‌ام و از آنها خاطره‌هایی به ذهن سپرده‌ام. او در همان دو فیلمی که در خمتشان بودم، در برخورد با من و همه افراد گروه بسیار مهربان و بسیار دوست‌داشتنی بودند، به‌خصوص در این سال‌ها که از پوست خودشان هم بیرون آمده و همه او را دیده‌اند.

من این ضایعه دردناک را به بچه‌های سینما تسلیت می‌گویم و امیدوارم که همه ما زنده‌ها را دریابیم و روزنامه‌نگارها هم بیشتر سراخ زنده‌ها بروند...

اصغر فرهادی:

یاد ناصر ملک‌مطیعی برای همیشه به نیک‌نامی در این سرزمین باقی خواهد ماند



● اصغر فرهادی، کارگردان برنده دو جایزه اسکار، درگذشت ناصر ملک‌مطیعی را با انتشار متن کوتاهی تسلیت گفت. کارگردان «جدایی نادر از سیمین» نوشت: «تسلیت اصغر فرهادی برای درگذشت ستاره سینمای ایران ناصر ملک‌مطیعی. این مرد بزرگ امروز زندگی را بدرود گفت در اوج احترام و محبوبیتی که برانزده و شایسته شخصیت مردم‌دوست، بلندنظر و فرهیخته‌اش بود. یادش برای همیشه به نیک‌نامی در این سرزمین باقی خواهد ماند».

اعلام زمان مراسم تشییع و ترحیم «ناصر ملک‌مطیعی»

● پیکر ناصر ملک‌مطیعی، صبح یکشنبه، ششم خرداد، از مقابل ساختمان شماره ۲ خانه سینما تشییع می‌شود.

مستانه مهاجر که مسئول پیگیری مراسم تشییع این هنرمند سینما از سوی خانه سینماست، در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: مراسم تشییع پیکر بازیگر قدیمی سینمای ایران ساعت ۹:۳۰ صبح یکشنبه (ششم خرداد) از مقابل ساختمان شماره ۲ خانه سینما، واقع در خیابان وصال، به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) برگزار می‌شود. به گفته وی، مراسم ختم این هنرمند نیم روز سه‌شنبه از ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ در باشگاه پیام به آدرس خیابان شریعتی، نرسیده به سیدخندان، روبه‌روی پارک اندیشه، ورودی ۱۱ باشگاه پیام برپا خواهد شد. ناصر ملک‌مطیعی بامداد شنبه در ۸۸ سالگی از دنیا رفت.

محمد صالح ابراهیمی درگذشت



● دکتر محمدصالح ابرهیمی، نویسنده و مترجم و قرآن‌پژوه مهابادی، صبح شنبه به دیار باقی شتافت. آن مرحوم در سال ۱۳۱۲ در مهاباد دیده به جهان گشود و در عمر ۸۵ ساله خویش آثار و خدمات فرهنگی زیادی، از جمله انتشار ده‌ها جلد کتاب تالیفی و ترجمه را برجا گذاشت. روزنامه «شرق» در یادداشت صفحه نخست روز گذشته شرحی بر خدمات وی نگاشته بود.